



فصلنامه علمی زبان و ادبیات فارسی
سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۴۰۰

www.qpjournal.ir

ISSN : 2645-6478

بررسی رویکردهای سنتی سبک‌شناسی در خمسه نظامی گنجه‌ای

محمد کریمی ۱ شراره الهامی ۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

(از ص ۵۳ تا ص ۷۷)

نوع مقاله: پژوهشی



[20.1001.1.26456478.1400.4.11.2.9](https://doi.org/10.26456478.1400.4.11.2.9)

چکیده

سبک و سبک‌شناسی، از مباحث داراز دامن و گسترده حوزه ادبیات و نقد ادبی است که با تاریخ ادبیات و زبان‌شناسی، پیوند دارد. از این‌رو بررسی سبک‌شناسانه متون نظم و نثر ادبی و دیدگاه‌های شاعران و نویسندگان، از اهمیت خاصی برخوردار و مورد توجه پژوهشگران اعصار گذشته و روزگار معاصر بوده است. مشخصه‌های رویکردهای سبک‌شناسی سنتی (سبک‌شناسی شمی، عاطفی، بیانی و تفسیری) که در آن ذوق، احساس و دریافت شهودی و شم شخصی دخالت دارد، در آثار نظامی گنجه‌ای به وضوح دیده می‌شود. در این مقاله برآنیم تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی، پس از تعریف اصطلاحات، شواهدی از آثار او بیاوریم و دیدگاه‌ها و نگاه تازه‌اش را درباره شعر و شاعری و همچنین برجستگی‌ها و مشخصه‌های سبکی آثارش را بررسی کنیم و با رویکردهای سبک‌شناسی سنتی تطبیق دهیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظامی گنجه‌ای شعر را از مقوله الهام می‌دانسته است و در اشعارش از هاتف، سروش، جن و خضر سخن می‌گوید که شعر را به او تعلیم می‌داده‌اند. این شاعر برجسته و سبک‌ساز با ساخت ترکیبات خاص و تازه، ابداع معانی جدید، تصویر جزئیات، انتخاب الفاظ و چینش مناسب در محور همنشینی و جانشینی و استفاده از آرایه‌های ادبی دست به ابتکاراتی زده است و سبک نو و طرز جدید خود را بنیان نهاده است و در طول دوران، پیروان و مقلدان بسیاری نیز یافته است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، رویکرد سنتی، خمسه نظامی، طرز نو.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول) karimi1353m@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. Email: Shelhame@yahoo.com



۱. مقدمه

از سبک تعاریف گوناگونی شده است و کلمات: طرز، طریقه، اسلوب، روش، سیاق و نمط در ادبیات فارسی مترادف سبک‌شناسی بوده‌اند. سبک، شیوه خاص سخن شاعران و نویسندگان، در آثارشان است. این شیوه خاص (انتخاب الفاظ، طرز تعبیر، ترکیب کلمات، روش خاص در بیان ادراک و احساس، نحوه بیان و اندیشه و اسلوب‌های لفظی) می‌تواند اثر یک شاعر یا نویسنده را از آثار دیگران متمایز کند. نخستین بار محمد تقی بهار در تعریف سبک نوشت: «سبک در لغت تازی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است و سبیکه پاره نقره گداخته را گویند، ولی ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «ستیل style» اروپائیان نهاده‌اند» (بهار، ۱۳۷۰، ج ۱: هفده). شمیسا سبک را «تکرار ویژگی‌های یک اثر» می‌داند. (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۷) علاوه بر بسامد و تکرار عوامل لفظی و زبانی تفکر و بینش شاعر و نویسنده هم نقش در تعیین سبک تأثیر دارد. به دیگر سخن زبان و فکر با هم نقش دارند. پس «سبک هماهنگی کامل بین زبان و اندیشه شاعر است که با انتخاب واژه‌های مناسب و شیوه بیان مخصوص نمود پیدا کرده‌باشد. (رک. محجوب، ۱۳۴۵: ۱۸)

در گذشته ادبی ایران، به هیچ تعریف خاصی از سبک یا شیوه شاعری اشاره نشده است و «معمولاً شاعران برای بیان ویژگی‌های شعر خود یا هنگام اشاره به شعر شاعران دیگر بیشتر در مقام مقایسه، مقام و رتبه شعر و شاعری خود با پیشینیان و هم‌عصران و در مقام تفاخر از اصطلاحاتی مانند: طرز، شیوه سخنی و طریقه، استفاده کرده‌اند و غالباً چون مقسمی در سخن نداشته‌اند، سبک شعری را به گوینده آن نسبت می‌داده‌اند» (دریاگشت، ۱۳۷۱: ۴۷۰).

پژوهشگران معاصر، به سبک و سبک‌شناسی نگاه دقیق‌تری کرده‌اند. از میان این تعاریف، رنه ولک^۱ سخنی از جورج سینسبری^۲ نقل می‌کند: «سبک ... گزینش و آرایش زبان است، همراه با توجه ثانوی به معنایی که قرار است منتقل شود» (ولک، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۴۷). تعریف جورج سینسبری از یک طرف در بردارنده ویژگی‌های ظاهری اثر است و از طرف دیگر به چگونگی تظاهر معنا و محتوای سخن توجه دارد. پژوهشگران معاصر ایرانی، برای بررسی بهتر



و دقیق‌تر سبک شعر فارسی آن را به چند دوره (خراسانی، عراقی، هندی و بازگشت ادبی) تقسیم کرده‌اند. هر کدام از این دوره‌ها (سبک‌ها) چند قرن را شامل می‌شوند و هنگام گذر از سبکی به سبک دیگر چند دهه بلکه بیشتر زمان لازم بوده‌است و بعد از افول یک سبک و قبل از به وجود آمدن سبک جدید، سبک بینابینی به وجود آمده‌است. سبک بینابین، برخی از ویژگی‌های سبک قبل و بعد را در خود دارد.

از عوامل موثر در تغییر سبک‌ها می‌توان به تغییر حکومت‌ها و تحولات اجتماعی اشاره کرد که این تغییرات در گذر زمان موجب تغییر ذائقه و سلیقه شاعران و نویسندگان می‌شود و از آنجایی که شعر شاعر انعکاس مسائل خاص دوره و جامعه اوست، موضوعی که انتخاب می‌کند و گزینش کلمات برای بیان و ارائه‌ی موضوعاتش مؤثر است. «زیرا هر موضوعی شیوه بیان خاص می‌خواهد و شاعر خوب و صاحب سبک کسی است که شیوه بیان متناسب با موضوع را یافته‌باشد. یکی از اختلافات لغات و ترکیبات و صور خیال و لحن کلام در حماسه و مدیحه و اشعار بزمی و انتقادی و عرفانی و امثال آن همین است» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۱۶).

بیشترین تحلیل‌های سبک‌شناسانه پژوهشگران و محققان، از آثار شاعران و نویسندگان، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری انجام می‌گیرد. آن‌ها براساس داده‌های آماری و ویژگی‌های برجسته آثار به تبیین سبک نوشتاری نویسندگان یا شاعران می‌پردازد. گروهی دیگر از پژوهشگران به دنبال اثبات نظریه‌های سبک‌شناسی در آثار شاعران و نویسندگان هستند.

رویکردهای سبک‌شناسی سنتی (سبک‌شناسی شمی، عاطفی، بیانی و تفسیری)، مجموعه‌ای از روش‌های سبک‌شناسی است که در بحث اصلی، به آن‌ها پرداخته‌ایم. در روش تحقیق این جستار، پس از تعریف اصطلاحات تخصصی رویکردهای سبک‌شناسی سنتی شواهدی از اشعار نظامی در مورد هر کدام از این رویکردها آورده‌ایم. نگارندگان به دنبال تعریف سبک‌شناسی از زبان نظامی نیستند. محور اصلی بررسی‌های در این پژوهش، یافتن دیدگاه‌ها و نگاه تازه و نو نظامی، درباره شعر و شاعری است. همچنین بررسی برجستگی‌ها و مشخصه‌های سبکی اشعار او، از زبان خودش و تطبیق آن‌ها با رویکردهای سبک‌شناسی سنتی، که با روش کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه منابع مورد نظر و گردآوری اطلاعات مورد نیاز (اشعار پنج‌گنج (خمسه نظامی) انجام شده‌است.



۱-۱. پیشینه

در زمینه سبک و سبک‌شناسی کتاب‌های فراوانی به چاپ رسیده‌است. از جمله آثار محققانی چون: محمدتقی بهار، محمدجعفر محجوب، سیروس شمیسا، محمد غلامرضایی، محمود عبادیان، مختار ابراهیمی، محمود فتوحی و همچنین در این زمینه مقالات زیادی چاپ شده‌است. از جمله: مقاله «ویژگی‌های سبکی بنیادی سبک‌های شعر فارسی» از علیرضا مظفریان (۱۳۹۱)، که در آن به بررسی جنبه مغفول و مسکوت رها مانده ترها و نظریه‌های بنیادین سبک‌ها پرداخته‌است و تأثیر آن‌ها را در دگرگونی‌های سبک‌شناسی شعر فارسی بررسی کرده‌است. مقاله «سبک‌شناسی ادبی، سرشت ادبی، برجستگی و شخصی‌سازی زبان» از محمود فتوحی (۱۳۸۸)، که در آن به اهمیت سبک در ادبیات و کارکردهای سبک‌شناسی و تمایز فرمالیستی میان زبان و ادبیات پرداخته‌است. مقاله «سبک نظامی در گسترش ترکیبات هندی» از داود اسپرهم (۱۳۹۱)، که بررسی سبکی دو زمینه زبانی و بلاغی شعر نظامی است. مقاله «بررسی سبک غزلیات نظامی گنجوی» از زینب نوروزی و محبوبه حسین‌زاده (۱۳۹۲)، که به بررسی شاخصه‌های سبکی غزلیات نظامی در سه سطح فکری، ادبی و زبانی پرداخته‌اند. مقاله «سبک‌شناسی ساختاری منظومه لیلی و مجنون با رویکرد به فرآیند برجسته‌سازی» از فرشته ناصری و عبدالحسین فرزاد (۱۳۹۲) و در آن به سبک‌شناسی ساختاری منظومه لیلی و مجنون پرداخته و می‌خواهند زبان خودکار را از زبان ادبی متمایز کنند. مقاله «سبک آذربایجانی و نموده‌های فنی آن در شعر قرن ششم» از دکتر اسماعیل والا و حسین اسماعیل‌لو (۱۳۹۲)، که در آن به مباحث سبک‌شناسی آذربایجان و مختصات آن در محدوده شعری سبک عراقی پرداخته‌اند. همان‌گونه که اشاره شد، در مورد سبک‌ها و نظریه‌های سبک‌شناسی و سبک‌شناسی آثار نظامی، پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی انجام گرفته‌است که با موضوع و اهداف پژوهش ما نسبتی ندارند. بنابراین نوآوری این مقاله در این است که به بررسی رویکردهای سبک‌شناسی سنتی در خمسه نظامی، با استفاده از نگاه او، به اشعار و سبک تازه‌اش می‌پردازد.

۲. بحث اصلی

نظامی گنجه‌ای، سبک‌شناس ماهر و زبده‌ای را می‌ماند که در اشعارش، مشخصه‌هایی را برای شعر خود و توصیه‌هایی برای کسانی که می‌خواهند شعر بگویند، ذکر کرده‌است. او شعر خود را طرز نو و شیوه تازه می‌خواند.



حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید، متخلص به نظامی گنجه‌ای «در حدود سال ۵۲۲ هجری در گنجه به دنیا آمد و در حدود سال ۶۰۳ هجری در همان شهر دیده از جهان فرو بست» (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۰). آثار او به ترتیب سرایش عبارتند از: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر و اسکندرنامه، وی دیوان اشعار بیست هزار بیتی نیز دارد. (رک: دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۱۲۹)

گسترش قلمرو حکومتی سلجوقیان و ارتباط میان بخش‌های دور ایران و خراسان، منجر به تغییر سبک خراسانی به عراقی، شد. «معهدا بیشترین نتیجه این اختلاط، نشر شعر و ادب خراسان در آذربایجان و عراق بود» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۳۴). این اختلاط موجب شد، شعرا با عناصری از فکر و زبان شعر خراسان، سبک‌های جدیدی در عراق و آذربایجان ایجاد کنند. سبک شاعران شمال غربی ایران، منطقه آرآن و آذربایجان، حد واسط سبک خراسانی و عراقی است. از شاعران بزرگ آن می‌توان: ابوالعلا گنجوی، فلکی شروانی، مجیرالدین بیلقانی، خاقانی شروانی و نظامی را نام برد. ویژگی‌های شعری شاعران این دوره «از نظر بنیان زبان همان زبان خراسانی است اما از نظر فکر و مخصوصاً از نظر مختصات ادبی تحول شگرفی را نشان می‌دهد» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴۲).

باید توجه داشت که در قرن ششم دعوی بین نو و کهن و بین نظامی گنجه‌ای با دیگر شعرا مطرح بوده است، بدین معنی که شعر، سبک خراسانی در حال افول و سبک عراقی در حال طلوع بود. شعرای آرآن و شروان (آذربایجان) نیز سبکی نو در میان آن دو سبک داشتند.

کهن‌کاران سخن پاکیزه گفتند	سخن بگذار، مروارید سفتند
درنگ روزگار و گونه‌های گند	کنند رخسار مروارید را زرد
سخن‌های کهن، زالی مطراست	اگر زال زر است انگار عنقا است
نگویم زر پیشین نو نیرزد	چو دقیانوس گفتی جو نیرزد

(نظامی، ۱۳۹۲: ۵۰۶)

نظامی گنجه‌ای تغییر سبک را یک ضرورت لازم می‌دانسته است. از این رو برای تغییر و ایجاد آن تلاش‌هایی کرده است. در اقبالنامه به این ضرورت اشاره کرده است.



نظامی، خود را شاعر دوره خود و صاحب سبک شخصی^۱ معرفی می‌کند.

ز طرزی دگر خواهد آموزگار	به هر مدتی گردش روزگار
نوایی دگر در جهان نو کند	سر آهنگ پیشینه کژ رو کند
جوان پیکری دیگر آید به دست	... چو پیری در آن پیکر آرد شکست
کند تازه تاریخ‌های کهن	بدین‌گونه بر نوظطمان سخن
سر نخل دیگر برآور بلند	زمان تا زمان خامه نخلبند
دگر گوهری سر برآرد ز سنگ	چو کم گردد از گوهری آب و رنگ
همین تازه‌رویی بس است از قیاس	عروس مرا پیش پیکر شناس

(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۲)

نظامی، خودش را پیشوای نوگرایی می‌داند و برای سخنان کهن و تقلیدی ارزشی قائل نیست. او سبک خویش را عراقی‌وار می‌داند و از تلاش خود، برای رسیدن به سبک تازه می‌گوید:

در این پیشه چو پیشوای نوی	کهن گذشتگان را مکن پیروی
نهادم ز هر شیوه هنگامه‌ای	مگر در سخن نو کنم نامه‌ای

(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۹ و ۴۰)

او چون دیگر شاعران صاحب سبک، درباره شعر و شاعری، ماهیت شعر و سبک خاص خودش سخنان ارزشمندی گفته‌است. او خود را صاحب سبکی خاص در سخن‌سرایی و نوآوری می‌داند و در مخزن الاسرار می‌گوید:

عاریت کس نپذیرفته‌ام	آنچه دلم گفت بگو گفته‌ام
----------------------	--------------------------

(نظامی، ۱۳۸۹: ۶۵)

او سخن خود را بکر می‌خواند و هر کسی را لایق شاعری نمی‌داند.



سخن گفتن بگر جان سفتن است نه هرکس سزای سخن گفتن است

(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۸)

نظامی نمی‌خواهد سخنان دیگران را تکرار کند. او شاعران قبل از خود را به خوبی می‌شناسد و به دنبال راهی برای نشان دادن برتری خود و آثارش است که در مفاخرات او بیشتر نمایان است. او خود را پیشوای نوگرایی و سیمرغ عرصه سخن می‌داند و کسی را بهتر از خودش نمی‌بیند. او در جای جای آثارش به سحر کلام شیرینش می‌بالد و سبک و شیوه شاعری خود را «طرز غریب و نو»، «شیوه مصیب و غریب» می‌داند.

شیوه غریب است مشو نامجیب گر بنوازش نباشد غریب

(نظامی ۱۳۸۹: ۶۶)

من در این شیوه مصیب آمدم دیدنی ارم که غریب آمدم

(همان: ۷۳)

بلی آن کز معانی با نصیب است بدانند کاین سخن طرزی غریب است

(نظامی، ۱۳۹۲: ۵۰۸)

او بارها شعر خود را «سخن بکر»، «سخن تازه» و «شعبده تازه» می‌خواند.

گر بنمایم سخن تازه را صور قیامت کنم آوازه را

(نظامی، ۱۳۸۹: ۷۳)

شعبده تازه برانگیختم هیکلی از قالب نو ریختم

(همان: ۶۵)

او به دلیل نوآوری و تازگی سبک، دشمنان و حاسدان بسیار دارد و در اشعار خود از ایشان گلایه می‌کند. باید توجه داشت که شاعران بزرگ نوآور در عصر خود مورد طعن و لعن شاعران متوسط‌الحال و ادیبان متحجر بوده‌اند.

بر سخن تازه‌تر از باغ روح منکر دیرینه چو اصحاب نوح



(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۸)

او می‌داند که حاسدان، نقادان و خرده‌گیران شعرش را نقد خواهند کرد. از این رو می‌کوشد، سخن بی‌عیب و نقض (نظامی، ۱۳۱۳: ۲۵) و شعر عیاری بگوید تا دهان خرده‌گیران را ببندد. (نظامی، ۱۳۸۷: ۱۰۸) دیگران را سایه و مقلد خود می‌داند که نان می‌خورند و زنده به جهان‌اند. آن‌ها را رقبیان بی‌نمکی می‌داند که قدرت اندیشه و کلام ندارند. (نظامی، ۱۳۱۳: ۴۱) او چون دیگر شاعران نوآور و مبدع، در مفاخرات خود می‌خواسته‌است، جایگاه و مرتبت خویش را متذکر شود. از این روست که خودش را ساحر کلام و ختم سخن می‌داند.

در سحر سخن چنان تمامم کابینه غیب گشت نامم

(نظامی، ۱۳۱۳: ۴۰)

محققان و پژوهشگران رویکردهای زیادی را در سبک‌شناسی معرفی کرده‌اند و از میان آن‌ها چهار رویکرد: سنتی، زبان‌شناسانه، آماری، فرهنگی- اجتماعی از همه مشهورترند. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

۲-۱. رویکردهای تأثیری و سنتی

رویکردهای تأثیری و سنتی، شامل سبک‌شناسی شمی، عاطفی، بیانی و تفسیری می‌شود. این رویکردها «به مجموعه‌ای از روش‌های سبک‌شناسی اطلاق می‌شود که در آن‌ها ذوق، احساس و دریافت شهودی و شمّ شخصی دخالت دارد و سبک‌شناس کمتر به جانب عینیت‌گرایی و روش‌های اثباتی یا بهره‌گیری از مبانی و روش‌های دیگر رشته‌ها می‌گراید» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

در تائید این که دریافت شهودی و شمّ شخصی در سبک و رویکردهای تأثیری و سنتی دخالت دارد، همین بس که نظامی گنجوی شعر را از مقوله الهام می‌داند و در اشعارش از هاتف، سروش، جن و خضر سخن می‌گوید و ادعان می‌کند که آن‌ها شعر را به او تعلیم می‌دهند. این تفکر، از اساطیر ایران باستان نشأت می‌گیرد که در آن دوران نقش ویژه ایزدان «سروش» و «نریوسنگ» الهام به انسان بوده‌است (ر.ک. زرکانی، ۱۳۹۱: ۲۳۳). در اساطیر یونان نیز الهه



شعر و موسیقی «میوز»^۱ را الهام‌دهنده هنرمند می‌نامند. در ادبیات عرب «شیاطین را تابعه شعرا می‌خوانند و اعتقاد کرده‌اند که تلقین شعر، شیاطین می‌کنند، ایشان را و هر کس را که شیطان او در این باب قوی‌تر باشد، شعر او بهتر باشد» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۸۷). نظامی در *اقبالنامه* می‌سراید: پیر شده‌ام و «سراینده نهفت» آن نیروی درونی (هاتف، سروش و...) دیگر به من الهام نمی‌کند.

دل هر که را کو سخن گستر است	سروش سراینده یاریگر است
... سراینده‌ای داشتم در نهفت	که با من سخن‌های پوشیده گفت
کنون آن سراینده خاموش گشت	مرا نیز گفتم فراموش گشت

(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۲)

نظامی در *شرف‌نامه* تعلیم‌دهنده نهانی خود را خضر و در هفت‌پیکر جبرئیل و جن می‌داند.

مرا خضر تعلیم‌گر بود دوش	به رازی که آید پذیرای گوش
--------------------------	---------------------------

(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۹)

۹

جبرئیل به جنی قلمم	به صحیفه چنین کشد رقمم
کاین فسون را که جنی آموز است	جامه نو کن که فصل نوروز است

(نظامی، ۱۳۸۷: ۹)

۹

چو دلداری خضرم آمد به گوش	دماغ مرا تازه گردید هوش
---------------------------	-------------------------

(نظامی، ۱۳۸۰: ۴۱)

شاید این عقیده نظامی که شاعران هم‌رده پیامبران و بر هر دوی آن‌ها وحی و الهام می‌شود، از همین‌جا نشأت



بگیرد که در این ابیات آورده است.

سایدی از پرده پیغمبری است

پرده رازی که سخن پروری است

پس شعرا آمد و پیش انبیا

پیش و پسی بست صف کبریا

(نظامی، ۱۳۸۹: ۷۰)

۲-۲. سبک‌شناسی شمی

آرا و نظرات اکثر نویسندگان و شاعران فارسی‌گوی درباره سخن، سبک‌شناسی، سبک و طرز شاعران بیشتر شمی و احساسی بوده است و در این روش بررسی کمیّت‌ها و استدلال روش‌های آماری جایگاهی ندارد. نظامی گنجوی نیز از این قاعده مستثنی نیست. دو شیوه برای رسیدن به متغیرهای سبکی در سبک‌شناسی شمی پیشنهاد شده است. یکی فهرست متغیرهای بالقوه (شامل کلیه مقولات زبانی و بلاغی) و دیگری خواندن اثر و انس گرفتن با آن تا شناسایی مشخصه‌های برجسته که با ذوق ادبی و شمّ زبانی به دست می‌آید. (رک. فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۷)

بی‌شک نظامی گنجه‌ای هیچ فهرستی از متغیرهای بالقوه به عنوان نقشه راهنما برای بررسی سبک شعر خود و دیگران در اختیار نداشته است و تنها بر اثر تسلط بر علوم زمانه و انس گرفتن با شعر دیگر شعرا مثل فردوسی، سنایی و خاقانی است که به ذوق ادبی و شمّ زبانی رسیده است و می‌تواند در مورد تفاوت‌ها یا خوب و بد بودن شعرها نظر بدهد. در روش شمی «الگوها و صناعات و روش‌های بیان، صرفاً عواملی برای آرایش محتوا به حساب می‌آیند. نتایج حاصل از روش شمی در واقع فهرستی است از مشخصه‌های سبکی به عنوان «جامه‌ی محتوا» که ویژگی‌های طرز یک متن، نویسنده یا دوره خاصی را شکل می‌دهند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

فتوحی در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها می‌نویسد: «سبک عبارت است از شیوه‌های مشابه برای بیان یک محتوای واحد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). این تعریف عین جدیدترین تئوری‌های فن شعر رایج امروز است. این تئوری جدید «عقیده دارد اگر آرایه‌های بدیعی و بیانی را از شعر حذف کنیم. دیگر چیزی از شعر باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر شعر مسأله چگونه گفتن است نه چه گفتن» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۳۰). در واقع آرایه‌های ادبی این توانایی و قدرت را دارند که متن را مفصل‌تر، هنری‌تر و به شعر تبدیل کنند. نظامی به آراستن سخن سفارش



می‌کند. البته در حد اعتدال، یعنی همان‌طور که سخن ساده و بی‌زینت را نمی‌پسندد، افراط و زیاده‌روی در آن را هم ناپسند می‌داند:

و آرایشش کوردی ز حد بیش رخساره قصه را کند ریش

(نظامی، ۱۳۱۳: ۲۷)

وی تلاش می‌کند از آرایش‌های کلامی به اندازه استفاده کند تا از نقد خرده‌گیران و حسد حاسدان در امان باشد.

جهد کردم که در چنین ترکیب باشد آرایشی ز نقد غریب

(نظامی، ۱۳۸۷: ۹۰)

در شرف‌نامه می‌سراید: می‌تواند تمام تاریخ زندگی اسکندر را در یک ورق بازگوید، اما آرایه‌های ادبی آن را مفصل و هنری کرده‌اند.

و گر راست خواهی سخن‌های راست نشاید در آرایش نظم خواست

گر آرایش نظم از او کم کنم به کم مایه بیتش فراهم کنم

همه کرده شاه گیتی خرام درین یک ورق کاغذ آرم تمام

(نظامی، ۱۳۸۰: ۴۶)

برای اثبات این ادعای خود، تمام تاریخ زندگی اسکندر را در یکی دو صفحه شرح می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، در روش شمی الگوها و صناعات و روش‌های بیان صرفاً برای آرایش محتوا به حساب می‌آیند. نظامی گنجه‌ای این ویژگی را به خوبی شناخته‌است و در اشعارش به آن اشاره کرده‌است. نظامی در مورد نظم خسرو و شیرین می‌گوید:

نهادم تکیه‌گاه افسانه‌ای را بهشتی کردم آتش‌خانه‌ای را

چو شد نقاش این بتخانه دستم جز آرایش بر او نقشی نیستم

(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

منظورش این است که اصل داستان (افسانه) را حفظ کرده‌است و با استفاده از هنرهای بدیعی و بیانی آن را



آراسته‌است. او داستان (افسانه) لیلی و مجنون را عاری از آرایه‌های ادبی و هنرهای بدیعی و بیانی می‌داند.

زیبـارویـی بـسـدین نـکـویـی و آنگاه بسدین برهنه رویی؟!
کس در نه به قدر او فشانده است زین روی برهنه روی مانده است

(نظامی، ۱۳۱۳: ۲۸)

از این رو آن را به زبان شعری خود بازسازی می‌کند و به آن جنبه هنری درخشانی می‌دهد. دیدگاه نظامی در مورد کمیّت و کیفیت شعر خواندنی است. او شعر خود را همچون آب لطیف می‌داند با این وجود اعتقاد دارد که شاعر باید کم‌گوی و گزیده‌گوی باشد.

با این که سخن به لطف آب است کم گفتن هر سخن صواب است

(نظامی، ۱۳۱۳: ۴۷)

او در منظومه‌ی شرف‌نامه، کم گفتن خود را می‌ستاید:

سخن تا نپرسند لب بسته‌دار گهر نشکنی تیشه آهسته‌دار
نپرسیده هر کو سخن یاد کرد همه گفته خویش را باد کرد
... سخن گفتن آنگه بود سودمند کز آن گفتن آوازه گردد بلند
چو در خورد گوینده ناید جواب سخن یاوه کردن نباشد صواب

(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۵)

و در لیلی و مجنون می‌سراید:

یک دسته گل دماغ پرور از صد خرمن گیاه بهتر
گر باشد صد ستاره در پیش تعظیم یک آفتاب ازو بیش

(نظامی، ۱۳۱۳: ۴۸)

او در این ابیات به نقص سبک‌شناسی شمی که تنها به استدلال درباره‌ی کمیّت رخدادها می‌پردازد، اشاره



کرده‌است. هرچند «همه روش‌های سبک‌شناسی به نوعی کمیّت گراییند زیرا هر رخداد زبانی و پدیده‌ی متنی براساس میزان پراکندگی و تکرار بسامدها تحلیل می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

۲-۳. سبک‌شناسی عاطفی

در این روش، خواننده به مثابه‌ی عنصری فعال در درک اثر ادبی و در خلق اثر به وسیله‌ی نویسنده نیز اهمیّت دارد. این سبک با نام نظریه‌پرداز آمریکایی استنلی فیش^۱ شناخته شده‌است. طرفداران سبک‌شناسی عاطفی (تأثری) به نسبیت مطلق در تفسیر قائل نیستند. هدف اصلی بررسی نقش خواننده‌است. هر خواننده‌ای به یک جامعه‌ی تفسیری با گفتمان و یا ایدئولوژی خاص تعلق خاطر دارد و طبیعی است که ارزش‌ها، باورها و عقاید حاکم بر آن جامعه، بر تفسیر وی تأثیر دارد.

در شعر نظامی با خواننده و سفارش‌دهنده‌ی آگاه و سخن‌شناس مواجه می‌شویم، آنجایی که پادشاه به نظامی سفارش نظم لیلی و مجنون را می‌دهد. شاه (خواننده) تأکید می‌کند که سخن نو باشد:

دانی که من آن سخن شناسم کاییات نواز کهن شناسم

(نظامی، ۱۳۱۳: ۲۵)

همان‌طور که از این بیت برمی‌آید، خواننده در خلق اثر ادبی نقش دارد و یک عنصر فعال است. نظامی شعر خود را متاع گران‌بهای چون گوهر ارزشمند و قیمتی می‌داند و خریدار گوهرشناس را می‌جوید. او دنبال خواننده‌ی آگاهی است که شعر چون گوهر او را بشناسد.

متاع گران‌مایه دارم بسی نیارم برون تا نخواهد کسی

... مرا با چنین گوهری ارجمند همی حاجت آید به گوهر پسند

نیوشنده‌ای خواهیم از روزگار که گویم به دور از آموزگار

(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۶)



نظامی در این ابیات بنا به گفته طرفداران سبک عاطفی، خواننده فعال در درک اثر ادبی و مؤثر در خلق اثر را می‌جوید تا او را بر سر ذوق آورد. او شعر (سخن) خود را گوهر والا و ارزشمندی معرفی می‌کند که مخاطب و شنونده‌ای - که اینجا ممدوح او است - را صراف و گوهرشناس می‌داند. «در روایت، مخاطب با خواننده بالقوه (آن نوع خواننده‌ای که مؤلف به هنگام گسترش روایت در ذهن دارد) و خواننده‌ای ایده‌آل (خواننده‌ای کاملاً با بصیرتی که هر حرکت مؤلف را درک می‌کند) فرق دارد» (سلدن، ۱۳۷۷: ۷۱).

از شاکله‌های بنیادی و موضوعی رویکرد سبک‌شناسی عاطفی، می‌توان به شاخص‌های زبانی، محتوایی و موسیقایی و همچنین دلالت‌های عاطفی و حس‌گرا، اشاره کرد. نکته برجسته و قابل توجه در اشعار نظامی گنجه‌ای وجود موسیقی و توجه وی به آن است. وجود یک لایه موسیقایی در اشعار نظامی، بر بار عاطفی آثار او افزوده است. موسیقی شعر «مجموعه عواملی است که به اعتبار آهنگ و توازن سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان شعر می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۸). موسیقی درونی، کناری و بیرونی در شعر موجب افزایش تأثیر سخن در خوانندگان شود و این اثرگذاری بر مخاطب جز موضوعات مورد توجه رویکرد سبک‌شناسی عاطفی است.

چنانچه از اشعار نظامی گنجه‌ای برمی‌آید، او به موسیقی و نوازندگی اشراف کامل داشته‌است و به تأثیر موسیقی در انتقال پیام و مفهوم مورد نظر به مخاطب آگاه بوده‌است.

در آوردنند مرغان ده‌بل ساز سحرگه پنج نوبت را به آواز

(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۱۷)

همچنین در منظومه‌ی خسرو و شیرین به اصطلاحات خاص موسیقی (ذکر اسامی آهنگ‌ها، الحان باربدی و ذکر انواع سازها، صد دستان باربد، سی لحن، بریط، زخمه، رود و ... پرداخته‌است.

در آمد بار بد چون بلبل مست گرفته بریطی چون آب در دست

ز صد دستان که او را بود در ساز گزیده کرد سی لحن خوش آواز

... به بریط چون سر زخمه در آورد ز رود خشک تر در آورد

(نظامی، ۱۳۹۲: ۲۷۹)



۴-۲. سبک‌شناسی بیانی

واضع سبک‌شناسی یعنی شارل بارلی^۱ سوئیسی است. روش او نزدیک به روش علم بیان - ادای در معنای واحد به روش مختلف- است. بارلی با توصیف منابع بیانی به بیان اندیشه‌ی عاطفی، احساسی و انتزاعی به شیوه تجسمی، تصویری و عناصری هم‌چون زبان استعاری، تمهیدات بلاغی و ساخت‌هایی که بار عاطفی بیشتری بر دوش دارند، توجه بیشتری نشان می‌دهد. (رک. فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۳۱). قدرت نظامی در بیان احساسات درونی و همراه کردن خواننده با خود و تأثیرگذاری بر او، ستودنی است. او خود به این توانایی‌اش واقف است و از آن یاد می‌کند و می‌گوید: می‌تواند آدمی را بگریاند، سپس بخنداند.

شکر دانم از هر لب انگیختن گلابی ز هر دیده ریختن
کسی را که در گریه آرم چو آب بخندانمش باز چو آفتاب
(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۶)

در سبک‌شناسی بیانی «هنرمندان زبان را برای بیان احساسات و عواطف درونی خویش به کار می‌گیرند. بنابراین سبک مضمونی است، مانند: «زبان شخصی» به این معنی که هر کاربر زبان پاره‌ای عادت‌های زبانی خاص دارد که نه تنها شیوه‌ی بیان او را نشان‌دار می‌کند بلکه شخصیت او را نیز نمایان می‌سازد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

نظامی‌گنجه‌ای در آثارش بارها به زبان شخصی خودش اشاره می‌کند، حتی به خوانندگان شعر خود پادشاه - که شعر را در شرف‌نامه به او تقدیم کرده است - پیشنهاد می‌دهد، سخن همه را بشنوند و مقایسه کنند. وی بر این باور است که شعر و صدای او در میان شعر دیگر شاعران قابل تشخیص است و این بدان معنی است که وی یک سبک و زبان شخصی دارد.

ز چندان سخن گو سخن یاد دار سخن را منم در جهان یادگار
سخن چون گرفت استقامت به من قیامت کنند تا قیامت به من
(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۶)

^۱ Charles Barley.



شعر برخاسته از ذهن و روان آدمی است پس ویژگی‌ها و خصوصیات روحی و ذهنی شاعر تأثیر چشمگیری در انتخاب واژگان او دارد. البته این گزینش‌ها به عوامل گوناگونی بستگی دارد که عبارتند از: «شخصیت فردی شاعر به ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شعر، سنت‌های ادبی، گذشته‌ی تاریخی، محیط زندگی و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان شاعر» (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۳۲). به عبارت دیگر ما از گزینش واژگان توسط شاعر به روحيات و شخصیت او پی می‌بریم. «اگر می‌خواهیم انسانی را در محدوده‌ی هستی خود مطالعه کنیم، باید بدانیم که چه می‌گوید و چگونه خود را با کلمات خویش بیان می‌کند» (جورارد، ۱۳۸۷: ۱۲).

نظامی‌گنجه‌ای شاعری است که در انتخاب واژگان دقت فراوان کرده‌است. او همچون دیگر شاعران در شعرش احساسات، تفکرات، عواطف و عقاید خویش را بیان می‌کند. او آگاهانه از سبک شعر خودش می‌گوید و در شعرش شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی خود را معرفی می‌کند. شاعری است که زبانش پاک است، با الفاظ رکیک شعرش را آلوده نمی‌کند. بدگویی نمی‌کند. به کسی گمان بد ندارد. بد کسی را نمی‌خواهد. در حق همه خوبی می‌کند و غیبت نمی‌کند. غلامرضایی (۱۳۸۷: ۱۳۶) نظامی را شاعر عرفان، اخلاق و اجتماع می‌داند.

یکی از مفاهیم اصلی سبک‌شناسی بیانی یا توصیفی روش شارل بارلی «هنجار بنیاد» است؛ یعنی سبک را براساس خروج از هنجار و گونه‌ی عادی زبان بازشناسی می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). از نظر شفيعی کدکني (۱۳۸۷: ۳۸) همین موضوع گریز از هنجار معیار تعریف سبک است، ایشان انحراف از نُرَم را سبک می‌داند.

نظامی از نظر لغوی در توسعه و گسترش قلمرو زبان فارسی دست به ابتکاراتی زده‌است که خود نوعی هنجارگریزی محسوب می‌شود و این هنجارگریزی در جهت رسیدن به سبک و نگاهی تازه است. «هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازد و برحسب قیاس و گریز از قواعد هنجار، واژه‌ای جدید می‌آفریند» (صفوی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۴۶۰). همچنین در حوزه معنا آفرینی و تصویرسازی در میان شاعران، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌است. وی با بهره‌گیری از واژگان دارای دلالت‌های قوی عاطفی، از توانمندی‌های عاطفی زبان برای بیان مقاصد و اهداف خود در سطحی وسیع استفاده کرده و با کمک آن زبان شعری خود را برجسته کرده‌است. او به خوبی دریافته‌است که «بعضی واژه‌ها قدرت القایی ویژه‌ای دارند... و از لحاظ ایجاد



حس تأثیر در مخاطب یکسان نیستند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۵۰). نظامی در آثار خود آگاهانه و تعمداً قاعده‌های معمول و رایج زبانی را درهم می‌شکند و با خلاقیت و نوآوری در عناصر کلامی و تغییراتی که بر روی محور جانشینی و همنشینی زبان به مهارت ویژه‌ای در بیان مقاصد و ارتباط با مخاطب رسیده‌است و این مطلب تأکید بر انسجام، استواری و پختگی زبان اوست. تقی پورنامداریان در میان شاعران سبک آذربایجانی، نظامی را پیشتاز آفرینش ترکیبات جدید می‌داند و می‌نویسد: «کسی که شعر نظامی را مطالعه می‌کند، اولین ویژگی زبانی که پیش از همه توجه او را جلب می‌کند، انبوه ترکیبات زبانی متنوع و ناآشنایی است که او ساخته... بی‌گمان قدرت ترکیب‌پذیری زبان فارسی در شعر هیچ شاعر فارسی زبان آن چنان متجلی نشده که در شعر نظامی متجلی شده‌است» (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

نظامی با انتخاب الفاظ و ایجاد ترکیبات خاص و نو، تصویر جزئیات، به کار بردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو و ابداع معانی و مضامین دلپسند، دقت در وصف و ایجاد مناظر طبیعی و بدیع (رک. یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۸۶؛ ثروت، ۱۳۷۲: ۴۳۸) در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته‌است (رک. صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۰۹). او در آثارش به دنبال ایجاد ساختاری است که بُعد ادبی کلام را بیشتر کند. او با انتخاب دقیق کلمات و توصیف‌های زیبا و سرشار از عاطفه و احساس، ایجازها و تصویرهای تازه و غریبی می‌سازد. او شاعر خلاق است و در شاعرانی که خلاق هستند، تصاویر اصیل دارند که از این تصاویر می‌توان به مسائل بسیاری از احساس و عاطفه و احساس آن‌ها دست یافت» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۸۰). نظامی اعتقاد دارد که شاعر باید سخن لطیف بگوید و کلامش با احساس آمیخته باشد، چنان‌که مرده را زنده کند و فسرده را عاشق.

بهریست سبک ولی رونده
ماهیش نه مرده، بلکه زنده
با آن همه تنگی مسافت خواننده‌اش اگر فسرده باشد
آنچاش رساندم از لطافت عاشق شود ار نمرده باشد
(نظامی، ۱۳۱۳: ۲۹)

در رویکرد بیانی سبک‌شناسی، چند ویژگی خاصی تکرار شونده را پیدا می‌کند و «باید میان ویژگی‌های تکرار شونده سبک با روحیات فردی و جهان بینی مؤلف ارتباطی پیدا کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). نظامی گنجه‌ای، در اشعارش، اندیشه و موضوع واحدی را با تفاوت‌های روساختی بازگو می‌کند. (طلب بر هم زدن نظام هستی از سوی خداوند، در



بیان شکسته شدن دندان پیامبر) این تکرارهای نظامی گنجه‌ای تعددی است. او در اشعار خود از آن بسیار سود جست‌ه‌است. اگر تکرارهایی در آثار نظامی که می‌بینیم به جهت نفوذ پیام در دل و ذهن مخاطبان است. او می‌خواهد با تکرار اندیشه خود را در مغز مخاطب و خواننده‌اش جای دهد. «البته این تکرار موضوع... ناشی از جهان‌بینی شاعر است و اعتقادی که او به ترک دنیا و زیستن با قناعت و وارستگی دارد و این از جمله تعلیمات او در مجموعهٔ خمسه است. گویی او نیز مانند ناصر خسرو می‌خواهد با چماق تکرار اندیشه خود را در مغز مخاطب و خواننده جای دهد» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

آرایهٔ تکرار در شعر نظامی یک مشخصهٔ سبکی است. گاه تکرار یک واژه (اسم، گروه اسمی، حروف یا فعل در یک یا دو بیت) است. یوسفی در این باره می‌نویسد: «گاهی کلماتی به مزاق شاعر خوش می‌آید و بدون آنکه به جهت معنی نیازی به ادامه و مخصوصاً تکرار لفظ باشد، سخن را کش می‌دهد و به تکرار لفظ یا الفاظ می‌پردازد» (یوسفی، ۱۳۷۶: ۴۲).

پرده گشای فلک پرده‌دار پردگی پرده شناسان کار
(نظامی، ۱۳۸۹: ۳۵)

و :

کبر جهان گر چه به سر در نکرد سر ز جهان هم به جهان بر نکرد
(همان: ۴۵)

گاه این تکرار واژه در چند بیت متوالی است که از پربسامدترین گونه‌های تکرار است و از جنبه‌های مختلف قابل توجه می‌باشد و در واقع دستاویزی است که بیشتر برای به نمایش گذاشتن قدرت قریحه و ابتکار و ابداع شاعرانه، به کار می‌رود. تکرار از صنایع بدیعی است که مورد توجه نظامی بوده‌است و او در اشعارش از آن برای تأکید بهره‌برده‌است. «تکرار در زیبایی‌شناسی هنر از مسائل اساسی است. صداهای غیرموسیقایی و نامنظم که در آن تناوب تکرار نیست موجب گوش‌نوازی و آهنگین شدن کلام می‌شود» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۸۹).



لئو اشپیتزر^۱ به این شیوه توجه داشت. «سبک‌شناسی تفسیری، مشتمل است بر تحلیل داده‌های زبانی در یک متن ادبی به منظور کشف محتوا یا ارزش هنری متن و تلفیق داده‌های زبانی و ارزش هنری. ... سبک‌شناسی تفسیری، کارکرد هنری و زیبایی‌های متن را دنبال می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). تلفیق و آمیختگی پیام‌ها و ساختارها اوج شگفتی و زیبایی آفرینش اثر هنری است که شکل را می‌آفریند.

خمیر مایه هنر شاعر واژگان زبان است. مهارت نظامی گنجه‌ای در گزینش و ساخت ترکیبات و واژگان تازه و خلاقیت و ابتکار او در تلفیق آن‌ها در محور همنشینی زبان تناسب معنایی و لفظی دلپذیر را به وجود آورده است. ایجاد معانی، مضمون‌آفرینی و توصیف از شاخصه‌های سبکی نظامی به‌شمار می‌آیند. او همه امور و پدیدارهای ممکن را با بیانی شیوا وصف می‌کرد. «زیبایی جسمانی و حالات اندام یا زشتی‌ها، انواع مناظر طبیعی، ابنیه گوناگون از کاخ‌های برکشیده دل‌فریب تا کوخ‌های محقر، دیرهای متروک، اماکن جادویی، عجایب و طلسمات، اشیا تجملی و بزم‌های مجلل، جانوران گوناگون و حتی اساطیری گونه ...» (حمیدیان، ۱۳۸۸: ۵۱).

در سبک‌شناسی تفسیری، پس از کشف و توصیف داده‌های زبانی باید نسبت آن‌ها را با انگیزش هنری بررسی کرد. همه مظاهر طبیعت در شعر نظامی تجلی‌گاه صفات، حالات و اندیشه‌های انسانی قرار می‌گیرد. شعر وسیله‌ای است برای بیان عقاید، افکار، ادراکات و طرز نگاه شاعر به هستی و زندگی. شعر شاعر (ادراکات و طرز نگاه) از یک طرف و درک آن از طرف مخاطب در طرف دیگر. این تعامل دو طرفه، وجه اشتراک شاعر و مخاطب در گوهر انسانی است. نظامی این گوهر انسانی را خودشناسی می‌داند و بر این باور است هرکسی که خود را به درستی بشناسد تا ابد سربلند خواهد بود.

هر که خود را چنان بود که شناخت
تا ابد سر به زندگی بفراخت
...چون تو خود را شناختی به درست
نگذری گرچه بگذری ز نخست
(نظامی، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

نظامی علاوه بر هفت پیکر، در پایان منظومه‌ی خسرو و شیرین بار دیگر به این موضوع (خودشناسی) می‌پردازد.



او شعر را وسیله‌ای برای تفهیم و درک خود می‌داند و می‌گوید: در لابه‌لای اشعارش پنهان شده‌است و اگر کسی می‌خواهد او را بیابد، باید آثارش را بخواند.

ز مهر من عروسی در حصاری	چو دانستم که دارد هر دیاری
به هر بییتی، نشانی باز بستم	طلسم خویش را از هم گسستم
بیند مغز جانم را در این پوست	...بدان تا هر که دارد دیدنم دوست
حضورش در سخن یابی عیانی	...نظامی نیز کاین منظومه خوانی
که در هر بیت گوید با تو رازی	نهان کی باشد از تو جلوه‌سازی
ز هر بییتی ندا آید که: ها، او	پس از صدسال اگر گویی کجا او

(نظامی، ۱۳۹۲: ۵۰۶)

نظامی، در این ابیات خواننده را تشویق می‌کند تا افکار و ادراکات او را از لابه‌لای ابیات و اشعار آثارش بیابد و رازهای پنهان‌شده در پس ابیات را دریابد. او شعر را وسیله‌ی جاودانگی نام خود می‌داند. علاوه بر این موضوع، اشعارش را وسیله‌ای برای ابراز «خود» می‌داند که از مباحث نقد ادبی (نقد روانشناسی) است.

۳. نتیجه

در شعر شاعران به تعریف روشنی از سبک بر نمی‌خوریم اما آن‌ها به بیان ویژگی‌های شعر خود پرداخته‌اند و در مقام مقایسه برآمده‌اند و در اشاره به سخن دیگران از واژه‌های طرز، شیوه، نمط و... استفاده کرده‌اند. آرزوی نویسندگان و شاعران بزرگ رسیدن به سبک و نگاه تازه‌ای در آثارشان بوده‌است و هر کدام برای رسیدن به این نگاه تازه تلاش کرده‌اند. بی‌شک نظامی گنجه‌ای نقشه‌ی راهنما از متغیرهای بالقوه برای بررسی سبک شعر خود و دیگران نداشته‌است و تنها بر اثر تسلط بر علوم زمانه و انس گرفتن با شعر دیگر شعرا به ذوق ادبی و شمّ زبانی رسیده‌است. نظامی با ذهن خلاق، فکر پویا و دانش خویش، بنیان فکری نوینی در شعر و شاعری خلق کرده‌است. او خود را پیشوای نوگرایی و سیمرغ عرصه سخن می‌داند و کسی را بهتر از خودش نمی‌بیند. او در جای جای آثارش به سحر کلام شیرینش می‌بالد و سبک و شیوه‌ی شاعری خود را طرز نو و شعر خود را سخن بکر و تازه می‌خواند. او با خلق اشعار موسیقی‌وار، آفرینش و گزینش الفاظ بدیع، شالوده‌شکنی نحوی، تصویرسازی و تفاخر- که ویژگی‌های منحصر به فرد و خاص



سبک اوست- آثاری خلق کرده که قرن‌ها مورد توجه و تقلید آیندگان قرار گرفته‌است. اگر این طرز تازه و نو خود را به رُخ می‌کشد و در ابیاتی از سخن ناب خود سخن می‌گوید و گاه تا حد مفاخره پیش می‌رود، می‌خواهد، جایگاه ارزنده خود را به ما بنمایاند. او از سخن‌ناشناسان، دزدان مضمون و اشعار دیگران ابراز انزجار می‌کند. نظامی شاعری ترکیب‌ساز است. او ترکیبات تازه‌ای می‌سازد که مسبوق به سابقه نیستند.

او با خلق ترکیبات گوش‌نواز و خوش‌ساخت، ابداع واژه‌های مرکب و اشتقاقی و با استفاده از امکان زیایابی زبان و همچنین با به کار بردن تشبیهات و استعاره‌های دل‌انگیز، اطناب، تناسب و تکرار که از مهارت‌های قابل ستایش اوست، دست به ابتکاراتی زده‌است. او با هنجارگریزی شیوه بیان مخصوص (سبک شخصی) خود را یافته و سبک نو و طرز جدید خود را بنیان نهاده‌است. همه این‌ها و قدرت تصویرسازی‌اش منجر به آفرینش هنری شده و زبان شعری‌اش را برجسته کرده‌است.



منابع

- بهار، محمد تقی (۱۳۷۰) **سبک شناسی**. ج ۱، تهران: امیر کبیر.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۸) «سبک شاعران آذری و نظامی»، **مجموعه مقالات همایش سبک آذربایجانی**. بهار ۱۳۸۸، شماره ۳۵: ۱۷۴-۱۵۱.
- ثروت، منصور (۱۳۷۲) «مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی». جلد ۲. تبریز: انتشارات دانشگاه.
- جورارد، سیدنی، ام (۱۳۸۷) **شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی انسان‌گرا**. ترجمه فرهاد منصف، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۸) **آرمانشهر زیبایی**. تهران: علم و دانش.
- دریاگشت، محمدرسول (۱۳۷۱) **صائب و سبک هندی**. تهران: قطره.
- زرقانی، سیدمهدی. (۱۳۹۱). **بوطیقای کلاسیک**. تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲) **پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد**. تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱) **سیری در شعر فارسی**. تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳) **با کاروان حله**. تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳) **آشنایی با نقد ادبی**. تهران: سخن.
- سلدن، رمان و ویدوسون، پیتر (۳۷۷). **راهنمای نظریه ادبی معاصر**. ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲) **تذکره الشعرا**، تصحیح ادوار براون. تهران: اساطیر.



- شفیعی کدکنی، محمدرض. (۱۳۶۸) **موسیقی شعر**. تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷) **شاعر آینه‌ها**. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۶۸) **نگاهی تازه به بدیع**. تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰) «نه هرکس سزای سخن گفتن است». شماره ۷۸، **کیهان فرهنگی**، آذر ۷۰، سال هشتم، شماره ۶: ۲۸-۳۳.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴) **سبک‌شناسی شعر**. تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴) **کلیات سبک‌شناسی**. تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) **تاریخ ادبیات ایران**. ج ۲، تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) **از زبان شناسی به ادبیات**. جلد اول نظم، تهران: سوره مهر.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷) **سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو**. تهران: جامی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۹) **بلاغت تصویر**. تهران: سخن.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۱) **سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)**. تهران: سخن.
- محبوب، محمد جعفر (۱۳۴۵) **سبک خراسانی در شعر فارسی**. تهران: دانشسرای عالی.
- نظامی گنجه‌ای (۱۳۱۳) **لیلی و مجنون**. تصحیح وحید دستگردی. تهران: یادگار و ارمغان.
- نظامی گنجه‌ای (۱۲۸۰) **شرف‌نامه**. تصحیح برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی گنجه‌ای (۱۳۸۱) **اقبالنامه**. تصحیح برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.



نظامی گنجهای (۱۳۸۷) هفت پیکر. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.

نظامی گنجهای (۱۳۸۹) مخزن الاسرار. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.

نظامی گنجهای (۱۳۹۲) خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.

ولک، رند (۱۳۷۹) تاریخ نقد جدید. بخش دوم؛ ترجمه سعید ارباب شیروانی. تهران: نیلوفر.

یوسفی، حسینعلی (۱۳۷۶) کعبه جان. مشهد: آستان قدس رضوی.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۶) چشمه روشن. تهران: علمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



A Study of Traditional Stylistic Approaches in Khamseh Nezami

*Mohammad karimi*¹

*Sharareh Elhami*²

Abstract

Style and stylistics is one of the vast subjects in the field of literature and literary criticism that is related to the history of literature and linguistics. Therefore, the stylistic study of literary texts and prose and the views of poets and writers has been of special importance and has been considered by scholars of past and present times. The characteristics of traditional stylistic approaches (intuitive, emotional, expressive, and interpretive stylistics) in which personal taste, intuition, and perception are involved, are clearly seen in Nezami Ganjehi's work. In this article, after defining the terms, we intend to use library resources and analytical-descriptive method to bring evidence of his works and to examine his new views and perspectives on poetry, as well as the salient characteristics and stylistic features of his works. Then we compare it with traditional stylistic approaches. The findings show that Nezami considered poetry as inspiration and in his poems he speaks of Hatef, Soroush, Jan and Khezr who taught him poetry. This eminent and stylistic poet has fostered innovations by creating special and new word combinations, inventing new meanings, portraying the details, selecting proper word arrangement in terms of accompaniment and substitution, and using literary devices, has established his new style. And he has found many followers and imitators over time.

Keywords: Stylistics, Traditional Approach, Khamseh Nezami, New Style

¹ . PhD Student in Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. Email: karimi1353m@gmail.com (Responsible author)

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. Email: Shelhame@yahoo.com